

برنامه شبانه شیعیان واقعی*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

امیرمؤمنان علی علیه السلام در ادامه خطبه خود، که به معرفی و ویژگی‌های پرهیزگاران و شیعیان واقعی اختصاص یافته، برنامه شبانه و روزانه آن مردان صالح و شایسته را یادآور می‌شوند. ایشان درباره برنامه شبانه آنها می‌فرمایند: «اما شب به پا می‌ایستند و قطعاتی از قرآن را به آرامی و با اندیشه و قرائت نیکو می‌خوانند. خویشان را با مثل‌ها و اندرزهای قرآن پند می‌دهند و دردشان را بدان درمان می‌سازند. بخشی از شبشان این‌گونه گذرد و زمانی نیز پیشانی و کف دست و زانوان و پشت پایشان را بر زمین فرش می‌سازند (به حال سجده بر خاک می‌افتند). اشکشان بر گونه‌ها روان می‌شود و بدین سان جبار عظیم را می‌ستایند و برای آزادی از دوزخ به پیشگاه خدای بزرگ پناه می‌برند و ناله سر می‌دهند. شب آنها چنین می‌گذرد».

کلیدواژه‌ها: شیعیان، قرآن، عبادت، تدبیر در قرآن.

انس شیعیان واقعی با قرآن

گمان می‌برند پاداشی که آیه از آن خبر می‌دهد در برابر چشم ایشان است و آن را می‌بینند؛ و هرگاه به آیه‌ای برخوردند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند؛ چنان‌که گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش و شیون و فریاد در بیخ گوش‌هایشان است. پس برای انجام رکوع خم می‌شوند و پیشانی و دست و پایشان را بر خاک می‌سایند و خاکسارانه خدا را نیایش می‌کنند و از او رهایی خود را از آتش جهنم می‌خواهند.

این سخن امیرمؤمنان علیه السلام که شیعیان واقعی با خواندن قرآن خود را محزون می‌سازند، به آن اشاره دارد که بهتر است قرآن با غم و صدای حزن‌آور خوانده شود. در برخی از روایات نیز تصریح شده که قرآن را به گونه‌ای بخوانید که دل شنونده را غمگین سازد. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَافْرَعُوهُ بِالْحُزْنِ» (کلینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۲)؛ قرآن برای اندوه [و تأثر در نفوس مردمان] نازل شده است. پس آن را با آواز حزین بخوانید. همچنین درباره جمله «وَيَسْتَشِيرُونَ بِه دَوَاءَ دَائِهِمْ»، برخی از شارحان نهج البلاغه گفته‌اند: وقتی انسان با صدای غمگین قرآن می‌خواند، اشکش جاری می‌شود و با این اشک، دردهایش بهبود می‌یابد و برطرف می‌شود.

«تطلع» به معنای اشراف و تسلط داشتن بر چیزی و از بالا نگاه کردن به آن است. حضرت می‌فرمایند: آن‌گاه که شیعیان خالص و واقعی به آیاتی برمی‌خورند که در آنها به نعمت‌ها، رحمت و مغفرت خداوند بشارت داده شده، از سر شوق و طمع دل به آنها می‌سپارند و بسان کسی که قد برمی‌افزاید تا از بالا بر چیزی اشراف یابد و به خوبی آن را ببیند، از سر شوق، جان‌هایشان را با آن آیات پیوند می‌زنند و چنان به آنها می‌اندیشند که احساس می‌کنند

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: شیعیان واقعی و خالص برپا می‌ایستند و گام‌های خود را جفت می‌کنند و به آرامی و با تأنی قرآن می‌خوانند (از برخی روایات برداشت می‌شود که بهترین شیوه قرائت قرآن آن است که انسان در خلوت رو به قبله بایستد و قرآن را روی دو دست بگیرد و با ترتیل و شمرده و آرام آن را بخواند). آنان با مثل‌ها و اندرزهای قرآن، خودشان را پند می‌دهند و دردشان را با قرآن شفا می‌بخشند. در بخش دیگر شب، پیشانی بر خاک می‌سایند و به نجوای با خداوند می‌پردازند و اشک بر گونه‌هایشان جاری می‌شود و به پیشگاه جبروت و عظمت الهی پناه می‌برند و او را می‌ستایند و از سویدای دل، برای رهایی از آتش جهنم ناله سر می‌دهند.

خطبه نسخه نهج البلاغه از روایت نوف بکالی که در بحارالانوار آمده مفصل‌تر و عبارات آن نیز دل‌نشین‌تر است. از این رو، در این جلسه بنده بر نسخه نهج البلاغه تأکید دارم و به شرح و بررسی آن می‌پردازم. در نهج البلاغه چنین آمده است: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْرَاءِ الْقُرْآنِ يَرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً. يُحَزِّنُونَ بِه أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِه دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَسْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا تُصَبُّ أَعْيُنُهُمْ. وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَحْوِيفٌ أَصْعَمُوا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أَصُولِ أَدَانِهِمْ فَهُمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَأَكْفُهُمْ وَرُكْبِهِمْ وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَيَّ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۱۹۳)؛ اما شب به پا ایستند و قطعاتی از قرآن را به آرامی و با اندیشه و قرائت نیکو بخوانند. با قرآن خود را محزون سازند و داروی درد خود را در آن بیابند. وقتی به آیه‌ای برسند که در آن بشارت‌های الهی باشد، بدان دل بندند و با شوق به آن نگاه می‌کنند و

ما به زودی بر تو سخنی سنگین و گران‌مایه القا می‌کنیم [یعنی این قرآن را بر تو فرو خواهیم فرستاد]، همانا ساعت‌های شب [برای عبادت] استوارتر و پابرجاتر، و به گفتار درست‌تر است [از عبادت روز].

همچنین خداوند در وصف پرهیزگاران و مؤمنانی که به مقامات عالی بهشت رسیدند، می‌فرماید: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (ذاریات: ۱۷-۱۸)؛ اندکی از شب‌رامی خفتند [و بیشتر آن‌را به نماز و عبادت برمی‌خواستند]، و سحرگاهان آمرزش می‌خواستند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا به عبادت در شب بیشتر توجه و بر آن تأکید شده است؟ پاسخ این است که تأکید بر عبادت در شب، به دلیل مطلوب بودن حضور قلب و انقطاع الی‌الله در عبادت است و روح عبادت در قطع توجه به غیر خدا و توجه کامل به خداوند است. سرگرمی‌های روز و نیز شرایط طبیعی و پدیده‌های محیطی که در روشنایی روز دیده می‌شوند، توجه انسان را به خود جلب می‌کنند و از توجه او به خداوند می‌کاهند. از این‌رو، در شب که انسان از سرگرمی‌های روزانه فارغ شده و به دلیل تاریک بودن محیط، توجهش به پیرامون خویش جلب نمی‌شود، آمادگی بیشتری برای حضور قلب و تمرکز بر عبادت دارد. البته ما چون به تاریکی عادت نکرده‌ایم، این وضعیت را نمی‌توانیم تحمل کنیم و شب در حال عبادت نیز چراغ را روشن می‌کنیم. اما شایسته آن است که انسان عبادت شبانه‌اش را در تاریکی انجام دهد و اگر چند روزی در تاریکی شب نماز بخواند رفته‌رفته با تاریکی انس می‌گیرد.

در گذشته که برق نبود، با فرا رسیدن شب، شهر یک‌پارچه تاریک می‌شد. روشنایی اندک مساجد نیز از چراغ‌های پیه‌سوز فراهم می‌شد تا مردم که برای عبادت و نماز به مسجد می‌رفتند، هرچند به صورت محدود، همدیگر را

نعمت‌ها و رحمتی که بدان بشارت داده شده، در برابر چشمانشان حاضر است.

اما وقتی به آییهایی که در آنها وعده عذاب داده شده و مردم را از عقوبت الهی ترسانده‌اند، گوش جان می‌سپزند، با عمق جان پیامشان را درک می‌کنند؛ آن‌سان که گویی صدای مهممه و برهم خوردن آتش جهنم و ناله جهنمیان را می‌شنوند.

حضرت پس از بیان حالت شیعیان واقعی هنگام خواندن قرآن، به بیان حالت ایشان هنگام رکوع و سجده می‌پردازند و می‌فرمایند: آنها در پیشگاه خداوند خم می‌شوند و به رکوع می‌روند و سپس سجده می‌کنند و دست‌ها و پاها و پیشانی بر زمین می‌نهند و عاجزانه از خداوند می‌خواهند که آنها را از آتش جهنم نجات دهد.

ارزش و اهمیت عبادت و نجوای شبانه

حاصل این فراز از خطبه امیرمؤمنان (علیه السلام) این است که شیعیان حقیقی و خالص برنامه‌ای شبانه برای عبادت و بندگی خدا دارند و بخشی از آن برنامه را به خواندن قرآن و تدبیر در آن اختصاص می‌دهند. بخش دیگر را نیز به نماز و رکوع و سجود در پیشگاه خداوند و درخواست دریافت رحمت الهی و رهایی از عذاب جهنم می‌گذرانند. در قرآن نیز به عبادت در شب توجهی ویژه شده است. خداوند به پیامبرش توصیه می‌کند که بیشتر شب را به عبادت سپری کند: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ (مزل: ۶-۱)؛ ای جامه‌به‌خودپیچیده، شب را [به نماز] برخیز مگر اندکی، نیمی از آن را، یا اندکی از نیمه بکاه [تا به ثلث برسد]، یا بر آن بیفزای [تا به دو ثلث رسد] و قرآن را شمرده و آرام [واضح و با درنگ] بخوان.

مؤثرتر معرفی می‌کند، به دلیل موقعیت ویژه شب که نظر انسان به محیط اطراف جلب نمی‌شود، ذهن انسان برای تمرکز آمادگی بیشتری دارد. اگر انسان در آن فرصت مناسب، با حضور قلب و تمرکز عبادت کند، آن عبادت تأثیری بیشتر بر قلبش می‌نهد و اثرش راسخ‌تر و پایدارتر خواهد بود. از این رو، سفارش شده که انسان در روز نمازش را در محلی کوچک و خلوت بخواند و در برابرش تصاویر و نقاشی نباشد تا توجهش بدان جلب نشود و از حضور قلبش برای نماز کاسته نشود. درباره سلمان نقل شده که محل نماز او به اندازه‌ای بود که تنها یک نفر می‌توانست در آن بایستد و نماز بخواند. طبیعی است که در چنین محل کوچکی، تمرکز و توجه انسان بیشتر خواهد بود.

روز؛ فرصت فعالیت و حضور در اجتماع

همچنان‌که انسان مؤمن و خالص شب را به عبادت سپری می‌کند، در روز به انجام وظایف فردی و اجتماعی و فعالیت می‌پردازد. به دستور خداوند، انسان باید در روز به فعالیت و کسب روزی پردازد و روا نیست آدمی در انزوا به سر برد و از فعالیت‌های اجتماعی دور بماند. خداوند این عالم را آفریده و به انسان حیات و نعمت‌هایی را ارزانی داشته و فرصت‌هایی را برای او قرار داده تا از همه آنها استفاده کند و با بهره‌برداری از آنچه دارد به کمال و تعالی دست یابد و هیچ‌گاه از خداوند غافل نشود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام در دعای خود در روز عرفه می‌فرماید: «إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَسْبِي لَا أَجْهَلُكَ فِي شَيْءٍ» (قمی، ۱۳۷۰، دعای امام حسین در روز عرفه)؛ خدایا، از تنوع و ازپی هم‌آمدن آثار و پدیده‌ها و گوناگونی و دگرگونی در احوال جهان دانستم که غرض تو از آفرینش من این است که خود را در هر چیزی به من بشناسانی و

ببینند تا زمین نخورند و برای یکدیگر مزاحمتی فراهم نیاورند. پس از تولید دستگاه‌های مولد برق نیز چنان نبود که از سر شب تا صبح برق در اختیار مردم قرار گیرد، بلکه چند ساعت آغازین شب برق بود و پس از آن برق قطع می‌شد. در زمان تحصیل ما در مدرسه فیضیه، تنها چهار ساعت آغازین شب، شهر قم و مدرسه فیضیه برق داشت و پس از آن شهر خاموش می‌شد.

طبیعی است که در تاریکی شب که مردم در خانه‌های خود به سر می‌برند و بسیاری از آنها استراحت می‌کنند، سکوت و آرامش همه‌جا را فرا می‌گیرد و سروصدایی نیست که توجه انسان را جلب کند. این تاریکی موجب می‌شود که انسان چیزی را نبیند و در نتیجه مناظر اطراف، توجهش را جلب نمی‌کنند. در نتیجه، فرصت مناسبی برای عبادت فراهم می‌آید و انسان می‌تواند فارغ از عواملی که موجب پراکندگی حواس و توجه انسان می‌شوند، با حضور قلب و توجه بیشتر عبادت کند. به‌واقع برای مشتاقان عبادت، شب بستر مناسبی برای رازونیز است و انگیزه آنها برای عبادت در شب بیشتر می‌شود. طبیعی است وقتی انسان در شب با حضور قلب و توجه بیشتر نماز می‌خواند، تأثیر عبادتش بیشتر و پایدارتر خواهد بود. اما در روز که مردم به تکاپو و تلاش و فعالیت روزانه می‌پردازند، فرصت کمتری برای عبادت فراهم است و زمان انسان بیشتر صرف کار و تلاش و فراهم آوردن روزی می‌شود. در ادامه آیات سوره «مزل» که به آنها اشاره کردیم، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (مزل: ۷)؛ زیرا تو را در روز آمد و شد [کار و شغل] دراز و بسیار است [پس شب را ویژه عبادت و خلوت و مناجات قرار بده].

پس چنان‌که خداوند در آیه ششم سوره «مزل»، با تعبیر «أَشَدُّ وَطْأً»، عبادت شبانه را عمیق‌تر، پایدارتر و

حتی احساس کند او مخاطب قرآن است. اما وقتی انسان با سرعت قرآن می‌خواند، مجال تفکر و توجه به آیات را پیدا نمی‌کند و در نتیجه، آن آیه‌ها تأثیر چندانی بر او نمی‌گذرانند. برخی گفته‌اند از سخن امیرمؤمنان علیه السلام برداشت نمی‌شود که ملازمه‌ای بین ایستادن و خواندن قرآن وجود داشته باشد و چنان نیست که شیعیان واقعی که امیرمؤمنان علیه السلام از آنها سخن می‌گویند، پیوسته شب‌ها در حال ایستاده قرآن می‌خواندند. اما این برداشت، خلاف ظاهر روایت است و از ظاهر سخن آن حضرت استفاده می‌شود که آنها به این کار پایبند بودند که با احترام بایستند و قرآن بخوانند. خواندن قرآن در حال ایستاده و روبه‌قبله ادبی و ویژه است که اولیای خدا رعایت می‌کرده‌اند و ارزشمندتر از آن است که انسان بنشیند و تکیه بدهد و قرآن بخواند. البته حدی خاص برای عبادت و خواندن قرآن معین نشده و هرکس به فراخور حال می‌تواند هرچه‌قدر توان دارد قرآن بخواند و عبادت کند. آنچه درباره عبادت شبانه رسول خدا صلی الله علیه و آله در سوره «مزمّل» آمده و نیز آنچه درباره عبادت شبانه شیعیان واقعی در سخن امیرمؤمنان علیه السلام آمده، به منزله معیار و حد مطلق برای همگان معرفی نشده است. اگر انسان از انجام آن سطح از عبادت ناتوان باشد، می‌تواند به کمتر از آن بسنده کند. از این جهت خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُدْرِكُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ تَحْضُوهُ فِتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَعُونَ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾ (مزمّل: ۲۰)؛ پروردگارت می‌داند که تو نزدیک دو سوم شب و نیم آن و یک‌سوم آن را به نماز برمی‌خیزی و گروهی از آنان که با توآند نیز [چنین

من در هیچ‌یک از امور عالم از تو غافل نباشم. از دیدگاه اسلام، پذیرفته نیست که انسان به‌دور از اجتماع و در صومعه و دیر زندگی کند و در انزوا عبادت کند. در این صورت عبادت تک‌بعدی است و به بُعد فردی و شخصی آن بسنده شده است؛ حال آنکه عبادت دارای زمینه‌های اجتماعی است و کسی که در انزوا به سر می‌برد، از انجام عبادات اجتماعی باز می‌ماند. وی به آموزش دیگران، امر به معروف و نهی از منکر و خدمت به خلق نمی‌پردازد و جهاد در راه خدا برایش بی‌معنا خواهد بود. در حالی که در کنار عبادت فردی، باید این عبادت‌های مهم اجتماعی نیز انجام پذیرند و شکی نیست که درس خواندن، موعظه کردن، رسیدگی به فقرا، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا و دیگر عبادت‌های اجتماعی بیشتر در روز انجام می‌شوند. پس بایسته است که انسان روز را به انجام وظایف فردی و اجتماعی اختصاص دهد و پس از استراحت در بخشی از شب، در باقی‌مانده آن عبادت کند. البته اگر کسی در شب نیز به انجام نمازهای واجب خود بسنده کند، مؤاخذه نمی‌شود، اما برای رسیدن به مقامات عالی، باید عبادت و مناجات‌های طولانی شبانه داشت.

شیعیان واقعی و رعایت ادب خواندن قرآن و اندیشیدن در آن

حضرت درباره کیفیت برنامه عبادی شبانه شیعیان واقعی فرمودند: آنان بخشی از برنامه شبانه خود را به خواندن قرآن اختصاص می‌دهند و برپا می‌ایستند و به صورت ترتیل و آرام و شمرده قرآن می‌خوانند. وقتی انسان، آرام و شمرده قرآن می‌خواند، به مفاهیم و پیام‌های آیه‌ها توجه می‌کند و فرصت تدبیر در آنها را دارد و می‌تواند آنچه را آیات خیر می‌دهند پیش چشمش مجسم کند.

نماز شب را می‌توان در ده یا پانزده دقیقه خواند. البته اگر کسی بیشتر همت کند، می‌تواند زمان بیشتری را به آن اختصاص دهد و افزون بر نماز شب، قرآن نیز بخواند. از برخی آیه‌های قرآن برداشت می‌شود که مراد از قرائت قرآن، تنها خواندن آن نیست، بلکه مراد، تلاوت قرآن در نماز است؛ مانند آیه ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾ (اسراء: ۷۸)؛ و نماز بامداد را به پا دار که خواندن نماز بامداد در دید و حضور [فرشتگان شب و روز] است.

با توجه به مقارنت قرآن با نماز در این آیه نورانی، در روایات آمده است که مراد از «قرآن الفجر» نماز صبح است. اسحاق بن عمار نقل می‌کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «أَخْبَرَنِي عَنْ أَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ؟ قَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾؛ یعنی صَلَاةِ الْفَجْرِ تَشْهَدُهَا مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَمَلَائِكَةُ اللَّيْلِ. فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أُثْبِتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ أَنْ تَبْتَهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ» (عروسی حویزی، ۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۲۳)؛ مرا از بهترین زمان برای خواندن نماز صبح آگاه فرما. فرمود: هنگام طلوع فجر؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «به تحقیق قرآن فجر مشهود است»؛ یعنی نماز صبح را هم فرشتگان روز و هم فرشتگان شب می‌بینند. پس اگر بنده‌ای نماز صبحش را هنگام طلوع فجر بخواند، ثواب آن دو بار در نامه اعمالش نوشته می‌شود: هم فرشتگان روز می‌نویسند، هم فرشتگان شب.

در برخی آیه‌های قرآن، خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر انجام سجده و تسبیح طولانی در شب تأکید می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلًا﴾ (انسان: ۲۶)؛ و در پاسی از شب او را سجده کن و به پاکی بستای. شاید از جمع بین سجده و تسبیح در آیه

می‌کنند] و خدا شب و روز را اندازه می‌کند [و می‌داند که شما چه اندازه از شب را به نماز می‌ایستید و] می‌داند که شمار آن را نتوانید داشت. پس [به مهر و بخشایش خود] بر شما بازگشت (آن را بر شما سبک ساخت). پس هرچه میسر شود از قرآن بخوانید. می‌داند که برخی از شما بیمار و برخی دیگر به جست‌وجوی فضل خدا (روزی) در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می‌کنند. پس هرچه میسر شود از آن بخوانید.

محدوده نجوا با خدا

خداوند می‌فرماید که همه شما نمی‌توانید دو ثلث یا نیمی و یا یک ثلث شب را به عبادت سپری کنید؛ چون بسیاری از شما در سفرد و سفر دشواری‌هایی دارد. در گذشته مسافرت بسیار خسته‌کننده بود. افراد پس از آنکه سوار بر شتر یا اسب و الاغ یا با پای پیاده مسافرت می‌کردند، مجبور بودند پس از پیمودن مسافتی برای رفع خستگی استراحت کنند، و سپس به سفر خود ادامه دهند. طبیعی است فرد مسافر نمی‌تواند زمان چندانی را به عبادت‌های مستحبی بگذرانند. همچنین فرد بیمار نمی‌تواند دو ثلث شب را به خواندن قرآن و نافله شب و مناجات اختصاص دهد. پس هرکس باید هر قدر برایش امکان‌پذیر است عبادت کند و قرآن بخواند. نباید پنداشت که اگر کسی خواست سحر عبادت کند، حتماً باید عبادتش چند ساعت طول بکشد، بلکه اگر ده دقیقه عبادت کند کافی است. یکی از وسوسه‌ها و راه‌های شیطان برای بازداشتن انسان از سحرخیزی آن است که به او القا می‌کند برای عبادت شبانه باید چند ساعت زمان صرف کرد. آن‌گاه با این تصور که صرف این زمان برای عبادت امور زندگی انسان را مختل می‌کند، انسان را از سحرخیزی و خواندن نماز شب باز می‌دارد. حال آنکه

یک رکوع یا یک سجده سپری کند، بسیار دشوار بود؛ تا اینکه شخصی موثق از قول خادم امام رضا علیه السلام داستان رکوع طولانی مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی را برایم نقل کرد. در نتیجه، وجود آن حالات در اولیای خدا برایم باورپذیر شد. آن خادم درباره مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی که در مشهد مقدس زندگی می‌کرد نقل کرده بود: ایشان پایبند بود که هر شب به پشت بام حرم مطهر برود و تا صبح به نماز و عبادت بپردازد. نماز و رکوع ایشان نیز بسیار طول می‌کشید. یک شب سرد زمستانی ایشان در پشت بام حین نماز به رکوع رفت و رکوعش طول کشید. بنده چند دقیقه صبر کردم که ایشان سر از رکوع بردارد، اما رکوع ایشان ادامه یافت. ناگهان برف نیز باریدن گرفت، اما ایشان زیر برف به رکوعش ادامه داد و هرچه بنده صبر کردم نمازش پایان نیافت. سرانجام سردم شد و طاقت نیاردم که آنجا بمانم. پس لباس گرمی کنار ایشان نهادم تا بپوشند و در را بستم و به خانه رفتم. اما در خانه پیوسته برای شیخ حسنعلی نگران بودم که با این برف چه خواهد کرد. پیش از اذان صبح و زودتر از دیگر شب‌ها به حرم و پشت بام رفتم و با کمال تعجب دیدم که ایشان همچنان در حال رکوع است و حد و دیک و جب برف روی پشتش نشسته است. بر اثر این عبادت‌ها و بندگی‌های خالصانه، خداوند به آن مرحوم مقامی بخشید و نفسی داد که خراسانی‌ها به تواتر نقل کرده‌اند با دانه‌ای انجیر بیماری‌های سخت و درمان‌ناپذیر را شفا می‌داد. بیمارانی که پزشکان به آنها پاسخ منفی داده بودند و بیماری‌شان را درمان‌ناپذیر می‌دانستند، نزد آن مرحوم می‌رفتند و ایشان بر دانه انجیری دعا می‌خواند و آن را به آنها می‌داد. آن بیماران نیز با خوردنش شفا می‌یافتند.

ما به مقامات اولیای خدا دست نیافته‌ایم و نمی‌توانیم عبادات طولانی و رکوع و سجده طولانی داشته باشیم و

یاد شده بتوان برداشت کرد که شایسته است انسان در شب سجده‌های طولانی انجام دهد و در آنها خداوند را تسبیح کند. در آیه دیگر، درباره فضیلت ستایش خدا در آغاز و پایان شب می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» (طور: ۴۹)؛ و او را در پاسی از شب و هنگام رفتن و ناپیدایی ستارگان (طلوع فجر) به پاکی یاد کن.

اهمیت عبادت خدا و تدبر در قرآن

از آنچه امیرمؤمنان علیه السلام درباره برنامه شبانه شیعیان واقعی و حالت آنها هنگام تلاوت قرآن فرموده‌اند درمی‌یابیم که شایسته است ما نیز قرآن را با تفکر و تدبر بخوانیم؛ آن‌سان‌که وقتی آیات رحمت الهی را می‌خوانیم، رحمت خداوند و نعمت‌های بهشتی را فراروی خود بباییم و احساس کنیم که به تماشای آنها نشسته‌ایم و وقتی آیات عذاب را می‌خوانیم، صدای همهمه آتش جهنم و شیون دوزخیان را در گوش خود احساس کنیم. اگر نتوانستیم چنین حالتی را برای خود پدید آوریم، دست‌کم بکوشیم آیات قرآن را با توجه به معانی و مفاهیم آنها بخوانیم و هنگام تلاوت، به مسائل و مشکلات مادی مان نیندیشیم. همچنین بکوشیم شب‌ها به نماز و مناجات و رکوع و سجده‌های طولانی بپردازیم. درباره برخی شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نقل شده که آنان گاهی همه شب را به رکوع سپری می‌کردند و آن را «لیلة الرکوع» نام می‌نهادند. گاهی نیز همه شب را به سجده سپری می‌کردند و آن را «لیلة السجود» می‌نامیدند. درباره اویس قرنی، از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که عبادت‌های طولانی داشت و یک شب را به رکوع می‌گذراند و شب دیگر را به سجده.

این حالات درباره برخی از بزرگان و علما نیز نقل شده است. برای من تصور اینکه کسی بیشتر طول شب را به

حتی تصور اینکه شبی را به سجده یا رکوع بگذرانیم برایمان دشوار است، چه رسد به انجام آن. اما دست‌کم بکوشیم شباهتی به اولیای خدا بیابیم و نمازمان را سرسری نگیریم و با تأمل و تدبیر بخوانیم. در روایت آمده است: «إِذَا اسْتَعْجَلَ الْعَبْدُ فِي صَلَاتِهِ يَقُولُ اللَّهُ سَبْحَانَهُ وَاسْتَعْجَلَ عَبْدِي أَيْرَاهُ يَنْظُرُ أَنْ حَوَائِجَهُ يَبْدُ غَيْرِي» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۴)؛ وقتی بنده در نمازش شتاب می‌کند، خدای تعالی به او می‌فرماید: «بنده من شتاب کرد. آیا می‌پندارد که نیازهایش در دست کسی جز من است؟» پس بکوشیم بیشتر به نمازمان اهمیت دهیم و زمان بیشتری صرف آن کنیم. بکوشیم هنگام قرائت قرآن در نماز یا غیر نماز، محتوای آیات قرآن را برای خودمان مجسم کنیم. احساس کنیم نعمت‌ها و بهشتی را که آیات قرآن از آن خبر می‌دهند می‌بینیم و صدای همهمه آتش جهنم را که آیات عذاب از آن خبر می‌دهند می‌شنویم.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلی، احمد بن فهد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۲۲ق، تفسیر نورالشقلین، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۰، مفاتیح الجنان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کلبینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۸ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.